



امین اسرار ولایت

اگر رودی از کوه سرازیر شود و مسیر غلطی را طی کند احتمال مرداب شدنش هست ولی اگر همین رود مسیر درست خود را طی کند به دریا می‌رسد...

امیرحسین صالحی: اگر رودی از کوه سرازیر شود و مسیر غلطی را طی کند احتمال مرداب شدنش هست ولی اگر همین رود مسیر درست خود را طی کند به دریا می‌رسد؛

معارف اهل بیت (ع) و سخنانی که درباره آنهاست مثل رودی هستند که توسط بزرگان و علمای شیعه مسیر درست را طی کرده‌اند و همواره شاهد بودیم که کتاب‌ها و گنجینه‌های ارزشمندی از معارف آنها جمع‌آوری شده است که یکی از ارزشمندترین آنها «الغدیر» است که محدث بزرگ شیعه یعنی علامه عبدالحسین امینی نزدیک به 40 سال عمر خود را برای تالیف آن صرف کرد. امروز مصادف با 28 ربیع‌الثانی یعنی سالروز قمری فوت این عالم بزرگ است. از همین‌رو به سراغ نوه ایشان یعنی حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین امینی رفتیم که هم‌نام پدر بزرگ است و در مسیر او قدم برمی‌دارد؛ با او بیشتر درباره شیوه زندگی صاحب کتاب الغدیر صحبت کردیم تا با روحیات این محقق عظیم‌الشأن آشنا شویم.

ما در زندگی علما و بزرگان دین شاهدیم که 2 بعد عبادت و تحقیق در حد اعلا در آنها رعایت شده و طبیعتاً علامه‌امینی هم از این قاعده مستثنی نیست، چطور هر دوی این مسائل در یک نفر جمع می‌شود؟

پیش از هرچیز بهتر است درباره خاندان امینی کمی توضیح دهیم؛ مرحوم پدر بزرگ بنده در سال 1320 ه. ق (1279 ه. ش) در شهر تبریز در خانواده علم و تقوا چشم به دنیا گشود و مجد و بزرگی را از نیاکان دانشمند و فرهیخته‌اش به ارث برد. جد ایشان، شیخ نجف‌قلی، در سال 1257، در «سراب»، متولد شد، سپس به تبریز مهاجرت کرد و از علمای بنام آنجا شد. در سال 1340 به رحمت ایزدی پیوست و جنازه‌اش به وادی‌السلام منتقل شد. پدر ایشان، مرحوم شیخ احمد امینی، در سال 1278 به دنیا آمد و در سال 1304 تحصیلات حوزوی را نزد علمای بنام تبریز به پایان رساند و عالمی مقبول و مشهور شد و امامت جماعت یکی از مساجد آن دیار را به عهده گرفت. وی در سال 1360، برای زیارت به نجف‌اشرف، مشرف و مورد استقبال علمای آنجا قرار گرفت. پس مشخص است که علامه بخش اعظمی از فعالیت‌های خود را مدیون خانواده‌ای محقق و متعبد است.

یکی از خصوصیات بارز علامه امینی مسئله دقت ایشان به نظم و انضباط در زندگی بود و اینطور که من می‌دانم زندگی ایشان برنامه منظمی داشته است. ایشان هر روز بعد از نماز صبح مقید بودند که یک جزء یا یک حزب از قرآن را قرائت کنند و پس از آن شروع به مطالعه می‌کردند. مجموعه تحقیقات ایشان نشان‌دهنده دقت و تسلط بر منابع شیعه و اهل سنت است که جز با مطالعه فراوان چنین گنجینه عظیمی به وجود نمی‌آید. البته ما در برنامه‌های ایشان شاهدیم که هر روز قرائت زیارت عاشورا و ادعیه وجود داشت و خیلی بر آن مقید بودند. درباره زیارت عاشورا هم که داستان خواب عموی بنده حجت‌الاسلام هادی امینی معروف است که ایشان مرحوم علامه امینی را بعد از فوتشان در خواب می‌بینند و از احوالاتشان می‌پرسند. علامه می‌گویند به لطف خدا اوضاع خوب است ولی این وضعیت به خاطر زیارت امام حسین (ع) است. عموی من می‌گوید که راه کربلا بسته است و پدر بزرگم جواب می‌دهند که «در مجالس و محافل که جهت عزاداری امام حسین علیه‌السلام برپا می‌شود شرکت کن. ثواب زیارت امام حسین علیه‌السلام را به تو می‌دهند. پسر جان! در گذشته بارها تو را یادآور شدم و اکنون به تو توصیه می‌کنم که زیارت عاشورا را هیچ وقت و به هیچ عنوان ترک و فراموش نکن. مرتباً زیارت عاشورا را بخوان و بر خودت وظیفه بدان. این زیارت دارای آثار و برکات و فواید بسیاری است که موجب نجات و سعادت‌مندی در دنیا و آخرت توست». رمز پیشرفت ایشان هم به همین دعا و توسل به ائمه اطهار (ع) برمی‌گردد چرا که هر جا ایشان احساس خستگی می‌کردند یا مشکلات زندگی فشار وارد می‌کرد مرحوم پدر بزرگم به حرم امیرالمومنین علی (ع) در نجف می‌رفتند و گره از مشکلاتشان گشوده می‌شد.

پس به نظر شما عبادت مهم‌ترین ویژگی علامه امینی بوده؟

به نظر من مهم‌ترین ویژگی علامه اخلاص ایشان بوده است. همین اخلاص هم باعث شده که شما روح خاصی را در مهم‌ترین کتاب ایشان یعنی الغدیر می‌بینید. برای ادامه الغدیر که هنوز 9 جلد از آن چاپ نشده است یکی از چالش‌های جدی ما این بود که

يك گروه علمي بيايند باقيمانده اين مجموعه را پايه‌ريزي كنند ولي واقعا هنوز موفق به اجراي طرحي مشابه آنچه خود علامه براي 11 جلد چاپ شده ارائه دادند نشده‌اند. علامه واقعا عاشق بودند و با اخلاص و بدون هيچ چشمداشتي براي حضرت امير(ع) چنين كاري را شروع كردند.

در خاطرات پدرم هست كه يك روز مرحوم علامه در خانه تهران بودند و چراغي روشن بود. وقتي پدرم رفته بود كه براي پدر بزرگم چاي ببرد ديده بود كه فتيله چراغ درآمده و اتاق را دود گرفته ولي مرحوم علامه فقط فوت مي‌كردند تا دود كنار برود و مانع از خواندن كتاب نشود و اصلا متوجه نشده بودند كه چراغ خراب است. اين مسئله تنها در معادله عشق مي‌گنجد و اخلاص است كه آن را حل مي‌كند تا يك نفر بتواند چنين مجموعه بزرگي را گردآوري كند.

علامه اميني براي انجام تحقيقاتشان به هندوستان هم سفر کرده بودند و خب هند هم كشور بسيار گرمي است. عموي ما حاج رضا تعريف مي‌كرد كه يك شب وقتي از هندوستان بازگشتند خيلي‌ها براي استقبال آمدند، گفتند: آب و هواي هندوستان چطور بود، علامه گفت كه من نفهميدم، ما مشغول كار بوديم، متوجه نبوديم كجا گرم است و كجا سرد است، فقط عرق مي‌ريختيم، گرما و سرما را حس مي‌كرد ولي اعتنا نمي‌كرد.

رفتار علامه با توجه به اين همه مشغله‌اي كه داشت در خانه چگونه بوده است؛ يعني با همسر و فرزندان خود چطور رفتار مي‌كردند؟

علامه معتقد بود كه اساس خلقت بر محبت است و اين محبت را ابتدا به خدا و اوليائي او كه چهارده معصوم(ع) بود داشت و بعد نسبت به اطرافيان و دوستان. مرحوم پدر بزرگم به همه مي‌گفتند كه تو روح و جان من هستي يا حتي وقتي دوستانشان را بعد از مدتي مي‌ديدند آنها را در آغوش مي‌گرفتند و ناراحت بودند كه چرا آنها را مدت‌هاست ندیده‌اند. مرحوم علامه اميني به‌خاطر نوع كاري كه داشتند مجبور بودند كه 6 ماه را در تهران باشند و 6 ماه هم در نجف. آن زمان هم كه وسايل ارتباطي مثل امروز نبود لذا نامه‌اي دست پدرم هست كه از طرف علامه است و در اين نامه محبت و عاطفه به‌شدت موج مي‌زند. علامه واقعا محبت خاصي را در خانه به‌وجود مي‌آوردند و بين ايشان و همسرشان يعني مادر بزرگم رابطه عاطفي دوطرفه‌اي بوده است. اينطور كه پدرم مي‌گفت علامه را كم مي‌ديدند به‌خاطر مشغله‌اي كه داشت و وقتي آنها كمی گلايه مي‌كردند مادر بزرگم خيلي ناراحت مي‌شده از اينكه كسي پشت ايشان حرف بزند. از آن طرف جز عشق چيز ديگري نبوده كه باعث مي‌شده مادر بزرگم هر روز ميزبان حجم بالاي مراجعان علامه باشد. به‌طور كلي رفتار علامه با محبت بود و همواره در كتابشان هم اين مسئله وجود دارد كه تلاش دارند با بيان مناقب اميرالمومنين(عليه‌السلام) و اثبات حقانيت ايشان بين شيعه و سني وحدت به‌وجود بياورند.

ايشان در سفري كه به بغداد داشتند قاضي‌القضات اين شهر را مي‌بيند و از او مي‌پرسد كه چه كتابي مي‌نويسی؟ او گفت كه «من كتاب‌هايي درباره مناقب 3 خليفه اول و همچنين علي(ع) نوشته‌ام و الان هم در حال نوشتن كتابي درباره معاويه هستم». علامه آن زمان مشغول نوشتن جلد دهم الغدير بودند كه در آن حسابي پنبه معاويه را زده بودند. آن را به قاضي‌القضات بغداد دادند و توضيح دادند كه منابع اين كتاب همه از منابع اهل سنت است؛ بعد از چندوقت علامه سراغ قاضي‌القضات بغداد را گرفتند و در نامه‌نگاري، قاضي‌القضات اعلام كرد كه من وقتي كتاب‌هاي شما را خواندم كل نوشته‌هاي خودم را آتش زدم. اين شيوه‌اي بود كه علامه براي اثبات حقانيت شيعه به‌كار گرفتند و بسيار هم موفق بودند.

نحوه ازدواج علامه اميني چگونه بوده است؟

خب مرحوم علامه اميني 2 بار ازدواج كردند؛ ماجراي ازدواج دوم ايشان هم از اين قرار است كه يك شب ايشان خواب مي‌بيند كه جلوي باغي هستند ولي هنگام ورود به اين باغ جلويشان را مي‌گيرند. وقتي پرس‌وجو مي‌كنند به او مي‌گویند كه در اين باغ صديقه طاهره(س) هستند و شما محرم نيستيد و نمي‌توانيد وارد شويد. علامه از خواب بيدار مي‌شود و بعد از مشورت با چند نفر بهترين جوابي كه مي‌گيرند اين است كه اگر شما با خانم سيده‌اي ازدواج كنيد داماد حضرت زهرا(س) مي‌شوید و طبيعتا محرم ايشان. مرحوم پدر بزرگم بعد از آن با تحقيقاتي كه مي‌كند و موافقت پدر مادر بزرگم يعني مرحوم سيدعلي موسوي خلخالي با مادر بزرگم ازدواج مي‌كنند.

فردی به نام دكتور محمد عبدالغني حسن كه شاعر برجسته عرب و از علماي مصر بودن بعد از اينكه علامه اميني، الغدير را براي ايشان فرستاد شعري براي علامه سرود و فرستاد كه از ايشان تقدير كرد. علامه اميني نامه‌اي براي ايشان فرستادند كه «من از شما ممنونم كه اين شعر را براي من سروده و فرستاديد. اما چرا اصل را گذاشتيد و فرع را گرفتيد. اي كاش شما غديره مي‌سروديد و نام خود را بين غديره‌سراها مضبوط و ماندگار مي‌كرديد و دوستي خود را نسبت به اميرالمومنين نشان مي‌داديد». بعد از 2 ماه پاسخ نامه ايشان آمد كه «من به اين علت پاسخ نامه شما را دير دادم كه در اين دنيا يك دختر بيشتر ندارم و او نيز بيمار شده و اطبا نيز از مداوا كردن او نااميد شده‌اند و دخترم در حال احتضار است. به اين علت اصلاً حال شعر گفتن نداشتم. ولي

چون شما امر کرده بودید با چشم گریان این غدیریه را سروده و برایتان فرستاده‌ام». این نامه روز پنجشنبه به دست علامه رسیده بود. علامه امینی شب به حرم امیرالمومنین (ع) مشرف شدند. فردای آن روز نامه‌ای به فرزندشان حاج آقا رضا دادند و گفتند که این نامه را برای محمد عبدالغنی حسن پست کن؛ «من دیشب که به حرم رفتم غدیریه این فرد را برای امیرالمومنین (ع) خواندم و فکر می‌کنم ان شاءالله شفای دختر را گرفتم».

کتابخانه‌ای به ارزش یک حرز

کتابخانه امام امیرالمومنین (ع) از مهم‌ترین کتابخانه‌های نجف اشرف است که از آثار مرحوم علامه امینی محسوب می‌شود. این کتابخانه در سال 1332 بنا نهاده شده است و نخستین کتابخانه عمومی نجف محسوب می‌شود. کتابخانه علامه امینی در آغاز، 10 هزار عنوان کتاب داشت اما اکنون بیش از ۶۵ هزار عنوان کتاب دارد و بزرگ‌ترین کتابخانه عراق به شمار می‌آید. از فعالیت‌های کتابخانه، ایجاد مراکز پژوهشی با نام «مرکز الامیرالاحیاء التراث الاسلامی» در سال 1373 است. اکنون این مرکز، نزدیک به 50 عنوان کتاب قدیمی را چاپ کرده که بیشترین آن در بیروت چاپ شده است، از جمله منیه المرید شهید ثانی و رسائل سیدمرتضی که در ایران و در 3 جلد چاپ شده است. کتابخانه علامه امینی زمانی تاسیس می‌شود که طلاب با کمبود کتب مواجه هستند و علامه امینی به خاطر مشقت‌هایی که برای تهیه کتاب و جمع‌آوری منابع، جهت تألیف الغدیر کشیده تصمیم می‌گیرد کتابخانه شخصی خود را وقف امیرالمومنین (ع) کند تا همه بتوانند از آن بهره ببرند. هسته اصلی کتابخانه علامه امینی را کتاب‌های شخصی او تشکیل می‌دهد که بین آنها کتاب‌هایی هست که علامه امینی در سفرهای خود آنها را استنساخ کرده و همه به صورت نسخ خطی در کتابخانه موجود است. ساختمانی هم که نزدیک حرم امیرالمومنین (ع) توسط علامه امینی و با شراکت چند تن از متمولین آن زمان نجف خریداری شده با همین کتاب‌ها تجهیز شده است. بخش دیگر کتابخانه مربوط می‌شود به روزنامه‌هایی که از زمان حیات علامه امینی تا الان تهیه و نگهداری شده است و همه حوادث کشور عراق از قبل از سرکار آمدن حکومت صدام تا بعد از فروپاشی آن وجود دارد و محققان زیادی از آنها استفاده می‌کنند. از دیگر بخش‌های کتابخانه علامه امینی باید به مصحف‌های شریف قرآن اشاره کرد که بین آنها مصحفی منسوب به امیرالمومنین (ع) وجود دارد که اعراب‌گذاری آن توسط امام حسن (ع) و امام حسین (ع) انجام شده است. حجت‌الاسلام عبدالحسین امینی نوه علامه امینی درخصوص این کتابخانه اینطور توضیح می‌دهد: «کتابخانه علامه امینی تولیتی متشکل از هیأت امنای عراقی و یک هیأت امنای ایرانی است که بر هرگونه کارهای کتابخانه نظارت دارند. حاج شیخ رضا یکی از اعضای هیأت تولیت بود و اکنون عموی من آقای دکتر محمد امینی به جای مرحوم رضا امینی که هر دو از فرزندان علامه هستند از متولیان کتابخانه است». زمانی صدام تصمیم گرفت که کتابخانه را با خاک یکسان کند اما موفق به این کار نشد و به کتابخانه آسیب نرسید. آیت‌الله خویی از مراجع تقلید شیعه در عراق هم به مدیر وقت کتابخانه گفته بود: «در حفظ تابلوی سردر کتابخانه مثل جانت کوشا باش چون نجف را خداوند به عنایت امیرالمؤمنین (ع) و به واسطه وجود این حرز است که حفظ کرده است».

از غدیر تا الغدیر

دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی

عضو هیأت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتاب «الغدیر فی الکتاب والسنه والادب» مهم‌ترین اثر مکتوب علامه عبدالحسین امینی و از درخشان‌ترین تألیفات شیعه در دوران معاصر است که تاکنون چاپ‌های مختلفی از آن منتشر شده. یکی از آنها چاپ مؤسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی است که آن را در 14 جلد (همراه با 2 مجلد کتاب ثمرات الاسفار الی الاقطار و یک مجلد فهرست اعلام) منتشر کرده است.

کتاب الغدیردایره‌المعارف جامع در زمینه‌های عقیدتی، سیاسی، تاریخی، اجتماعی، اخلاقی و فقهی مربوط به خطبه غدیر است و بر پایه منابع و مصادر اهل سنت نگاشته شده است. برخی از موضوعات متنوع آن عبارتند از: اسناد حدیث غدیر، پاسخ به تهمت‌ها، اسناد زیارت‌نامه‌های برادران اهل سنت و زیارتگاه‌های مورد احترامشان در جهان اسلام و مشروعیت زیارت ائمه اطهار (ع) و پیامبر اکرم (ص)، نحوه انتخاب یزید به جانشینی معاویه و خروج امام حسین (ع) و ماجرای کشته شدن جناب عثمان، جعل حدیث و سازندگان اخبار در دوران اموی‌ها و عباسی‌ها و موضوع فقهی ازدواج موقت و

او در هر بحثی که وارد شده است، قرن به قرن، از منابع اهل سنت، واقعه غدیر را در دل تاریخ اسلام تتبع و تحقیق می‌کند و به حق او را باید احیاکننده فقه تاریخ در دوران دانش دانست. در بیان جایگاه رفیع‌اش به سخن مرحوم استاد دکتر شهیدی بسنده می‌کنم که در یادنامه او به درستی نوشت: «امینی تکلیف مذهبی خود را در حد هشام بن حکم، ابوسهل نوبختی، صدوق، مفید و سیدمرتضی انجام داد». همچنین باید توجه داشت که کتاب الغدیر از نخستین تألیفات حوزوی است که در سبک و سیاق تألیفات نوین علمی و با رعایت ارجاعات دقیق نوشته شده است. ویراستاری آن بر عهده مرحوم آیت‌الله علامه اردوبادی بود که علاوه بر تصحیح، پیشنهادهایی را به علامه ارائه داد. علامه اردوبادی ادیبی بس توانا بود که کتاب‌های بسیاری را ویراستاری

کرد و بنا بر نیت خالصانه‌ای که داشت شرط می‌کرد که نامش آورده نشود. در این خصوص آیت‌الله‌العظمی شیری زنجانی در کتاب «جرعه‌ای از دریا» صفحه‌ای را به علامه اردوبادی اختصاص داده و علامه سیدعبدالعزیز طباطبایی یزدی مشهور به محقق طباطبایی در مصاحبه‌های خود به این مطلب اشاره کرده است. ناگفته نماند که محقق طباطبایی از شاگردان برجسته علامه امینی بود که کتاب «الغدير في التراث الاسلامي» او ادامه کتاب الغدير است.

اما چرا اشعار شاعران غدیر برای علامه امینی چنان اهمیت داشت که مدخل هر مجلد از کتابش را به آنها اختصاص داد؟ برای فهم بهتر این مسئله، ابتدا باید توضیحي مختصر پیرامون اختلاف موجود میان فریقین (شیعه و سنی) درباره خطبه غدیر ارائه کرد. همه علمای اسلام متفق‌اند که حضرت پیامبر اکرم(ص) در حجه‌الوداع و در محلی موسوم به غدیر خم در ضمن خطبه‌ای دست امام علی(ع) را بالا بردند و فرمودند: «من كنت مولاه فعلي مولاه» و یا «... فهذا علي مولاه». از این رو در اسناد و الفاظ اصلی عبارت مذکور از خطبه غدیر هیچ تردیدی نیست و اختلاف تنها بر سر معنای واژه «مولى» (ولی) است که آیا به معنای دوستی است و یا سرپرستی؟ و در نتیجه آیا پیامبر اکرم(ص) امر به دوست داشتن امام علی(ع) فرموده و یا علاوه بر آن امر به سرپرستی ایشان بر هر مؤمن و مومنه‌ای کرده‌اند؟ علامه امینی در جهت حل این مشکل هوشمندانه متوجه فهم ادیبان و شاعران بزرگ عرب شد که فهمشان در لغت برای عرب حجت است. او کاری کرد کارستان؛ قرن به قرن جلو آمد، پرده از نقاب تاریخ کشید و در شورانگیزترین مباحث ادبی نشان داد که در طول 14 قرن از حیات اسلام، فهم بزرگان زبان عرب از معنای این واژه، سرپرستی و عهده‌دار شدن امر حکومت توسط امام علی(ع) بوده است و نه فقط دوستی آن حضرت؛ و این جریان ادبی از همان آغاز واقعه غدیر در تاریخ ظاهر شد؛ آنگاه که حسان بن ثابت با اذن رسول‌الله(ص) روایتی بس دل‌نشین از آن واقعه بزرگ را به نظم سرود، با این مطلع:

يناديهُم يوم الغدير نبِيهم بَخْمٍ واسْمُعْ بالرسول منادياً

در خاتمه باید اشاره کرد که کتاب الغدير هرچند به موارد اختلافی می‌پردازد، ولی همچنان که علامه شهید مرتضی مطهری و علامه محمدتقی جعفری و علامه سیدمرتضی عسکری (هر 3 در نخستین یادنامه علامه امینی به کوشش محمدرضا حکیمی) و نیز آیت‌الله واعظ خراسانی نخستین دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی (در کتاب ن‌دای وحدت) بیان کرده‌اند، کار علامه امینی در مسیر برادری و وحدت اسلامی است. به تعبیر علامه جعفری یافتن علل و ریشه‌های اساسی اختلافات نخستین قدم در راه پیدا کردن راه‌حل است؛ به‌ویژه آنکه مشکل تنها «منابع معتبر» نیست بلکه عقاید تثبیت‌شده‌ای است که در قرون و اعصار طولانی ریشه‌های خود را در اعماق روان فردی و وجدان اجتماعی دوانده است.